

ماهنشانه
تبدیل

مسیحی ۷۸

تبدیل



شما در
خداآوند
ارزش دارید

ماهناهمه تبدیل

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: الناثان باغستانی
ویرایش: نازنین باغستانی

طرح روی جلد: الناثان باغستانی

ناشر: سازمان خداماتی ایران برای مسیح

خواهشمندیم که جهت دریافت نسخه الکترونیکی و چاپی ماهنامه تبدیل، فرم شتراک مریبده را پر کرده و به آدرس مارسال نمایی.

آدرس ماهنامه:

Iran for Christ Ministries
P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

تلفن تماس: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) و ۸۰۰ - ۹۴۹

Tabdil@IRANforCHRIST.com

www.SimaMasih.com

www.Tabdilmagazine.blogfa.com

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی‌ها را چاپ کرده و یار کند
We have the right to refuse publishing.



همه چیز بر عکس شد...



چهل روز بعد از به صلیب کشیدن عیسی مسیح دوران بسیار حساس و قابل تعمق و سرنوشت سازی در تاریخ مسیحیت بشمار می‌آید. زیرا صحبت یا عدم صحبت باورهای مسیحی وابستگی انکار ناپذیری به وقایع این دوران دارد. بخارا همین کلان و رئیس کاهنان و کاتولیک و فریسان و ملایان روى محو حقایق بعد از صلیب شدن عیسی مسیح سرمایه گذاری سخاوتمندانه‌ای کردند و هر گونه استعداد و هنر و سیاست و تلاش و همت و صرف وقت و از خود گذشتگی و ایثاری که میتوانستد بخراج دادند تا حقایق را بایدا در چشم مردم و بعد در چشم سیاست خارجی وارونه جلوه بهدند. آنها تمام سرمایه گذاری خود را متوجه سپاهیانی کردند که برای دفاع از منافع شخصی خود بوجود آورده بودند متنی فصل ۲۸ میگویند: نظره بسیاری به سپاهیان دادند و آنها را کاملاً از هر نظر تأمین و تطمیع کردند تا حقیقت را زند مردم انکار کنند و قول دادند که اگر تصادف نماینده حکومت روم حقیقت را فهمید مردم با شما رسربوش گذاشتند و میگویند: آنها بودند که چهل روز بعد از قیام از مرد گان خویشتن را به دليل های بسیار زندگانی ایجاد ساخت اعمال رسولان ضل اول. بله در جلوی چشم قیافا و قاعی بطور دیگری اتفاق افتاد و حقایق بطرور متفاوتی نوشته شد و خبرها در چهت مختلف برنامه و سرمایه گذاری شورای مذهبی کاهنان و مشایخ پخش شد. و درنهایت با زندگان عیسی مسیح تاریخ بر عکس آنچه مشایخ خواستند و گفتند و ادعای کردند در مسیری ۱۸۰ درجه مختلف طینت و نیت و ذهنیت آنها به ثبت رسید.

همچنین...

در فصل ششم کتاب دانیال فرمائی از طرف پادشاه صادر و امضاء شد که دانیال در چاه شیران افکنده شود و چون تحت هیچ شرعاً طبق فرمائی پادشاه نیاید منسوخ می‌شد پس دانیال حقیقتاً به چاه شیران افتاد و حتی سنگی را هم که بر درجه افکنده بودند به مهر و موم غیر قابل شکستن پادشاه مخون کردند. ولی در فردای آنروز علیرغم تمام دسیسه‌های وزیران و انواع توطه‌هایی فرمانداران مبنی بر نایوید دانیال که سد راه زر و زور و مقام و عنوان پرستی آنها بود همه چیز بر عکس شد دانیال زنده بیرون آمد و همه توطه‌گران به همان چاهی که برای دانیال تدارک دیده بودند افتادند و شیرهای گرسنه‌ای که شب قبل از احترام دانیال اجبارا روزه گرفته بودند روزه خود را با گوشهای لطف و نرم و اتفاقه مهتاب ندیده‌ای از جنس وزیران و ایالان باز کردند و پادشاه فرمائی صادر کرد که همه به خدای دانیال احترام بگذراند و دانیال تا آخر عمر در پیروزی و احترام زیست. بیانید نگاه مذهبی به این بخش را دور بیندازیم و با دیدی واقع بیانه به آن بگیرم مطمئناً کلام خدا ماجراهای دانیال را برای در آوردن اشک و ناله و ترحم ما بحال او ننوشته. بلکه خدا بوسیله ماجراهی فوق درساهای هیجان انگیزی برای ما دارد که اکثر آدر موقفیت و شرعاً طبق دانیال افکنده در چاه شیران هستیم. پادشاه علیرغم میل خودش اجباراً دانیال را به چاه شیران انداخت چون قبل از دنده شیران نزدیک شود در لایای دنده‌های فرمائی که صادر کرد بود یوگی کرده و در حال خرد شدن بود. اما در بیست و چهار ساعت آینده خدا درسی به او داد تا فرا بگیرد چطور شرعاً طبق غیر قابل تغیر را بر عکس کند. آیا حاضرید شرعاً طبق نامساعد محیط و زندگی خود را بر عکس کنید؟ بیانید از خدا بخواهیم این درس را با ما بگراند. دلیل اینکه دنیا و شرعاً طبق تغیر می‌کند بخاطر اینست که طبیعت پدرانه خدای ما هر گز تغیر نمیکند. ایمان به خدای تغیر نایدیر همه شرعاً طبق را تغییرید و میکند. اگر گاه و اشتاهی از روی اجبار یا وسوسه یا بنایه طبیعت گاهه آلود گذشته تا انجام داده اید و حالا از انجام آن پیشمان هستید و حاضرید اشتباختان را پذیرید و مسئولیت گناهان را علناً بهده بگیرید و برای جیران آن قیمت پرداخت کنید و از آن دست بردارید و در جهت بر عکس آن قدم بردارید همه چیز بر عکس خواهد شد.

اما طرق بر عکس کردن شرعاً...

پادشاه از خویشن خشکین شد بعابری خود را بازیست و مسئولیت عمل شیع خود را رسماً پذیرفت و به گردن وزیران و فرمانداران ولایتها نگذاشت او حقیقتاً بفریبت که نه فریب سادگی اش بلکه کسر کرد شرعاً طبق می‌شونت الهی تصمیم گیری اش را خورده و این اگر چه ابتدای ترین قدم ولی مهمترین قدمی است که در جهت بر عکس کرد شرعاً طبق می‌شوند. پادشاه نگفت کاری است که شده تیر هم از کمان در رفته او جهت جلوگیری از انجام گناهی که در حال انجام شدن بود برخاست و عمل نمود. پادشاه نگفت کاری است که شده تیر هم از کمان در رفته او با تمام قوت در جهت متوقف کردن گناه حرکت کرد اگرچه به جایی نرسید و سرعت عمل او در پرایر سرعت عمل گناه تاچیز دیده میشد و لیکن بر عکس شدن شرعاً طبق حقیقی تاچیز ترین قدرها هم موثر و سرنوشت ساز است. و اما همتر از همه اینکه پادشاه تمام اسایش عیش را از خود دور کود و تمام شرب را تا به صبح در حضور خدا روزه گرفت کرد. آدم شک میکند رهایی دانیال از دهان شیران جواب دعای خودش بود یا جواب روزه و دعای پادشاه؟ بهر حال صبح می‌چیز بر عکس شد. اگر میخواهید شیرهای درنده این دنیا در پرایر جسم و جان جگر گوشها بیان کم مچون دانیال به چاه شیران افتاده اند روزه بگیرند سعی کنید خودتان در حضور خدا روزه یکبرید. روزه گرفتن پادشاه شیران را وادار به روزه گرفتن کرد. آیه ۱۱ میکوید خود دانیال هم دهانش را باز کرد و شروع نمود بدعا کردن و مین باشد شد که در آیه ۲۲ داده هان شیران را بیند. ثمره باز کردن دهان مابه شکر گذاری بسته شدن دهان شیران در برای دانیال هاست. بیانید همه چیزهایی که در دنیا به نفع شرارت برنامه ریزی شده را بر عکس کنیم.

پخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دو شنبه ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت اُن آنجلیس در شبکه محبت www.SimaMasih.com آدرس اینترنتی:

این موضع حقیقت دارد که فدا برای بعضی ها را فراموش می‌نند

این شدن محقق ندارد. کیمی قدس به کرات اش از پیش می‌بیند که خدا تهی هیچ شرعاً طبق من و شما را فراموش نمی‌کند. پرا له او فاق ماست

و بعنوان یک پدر نمی‌توان نسبت به ما و اهیات ما بی تفاوت باشد.

یکی از رویدادهای بسیار مشهور که این حقیقت را پیغام شرح میدهد زنگی

اسعایلین پماش

اسعایلین یعنی مسمع شده از فرا، پیدایش ۱۶، او تقریباً در ۲۰۸۵

ق.م. زنگی می‌باشد است. اساعایل پس پر ابراهیم از هایر، پیش

لکن مصری سارا بود، ابراهیم هشتار و شش ساله برور که توسعه هایر صابی

این فرزند شد. فرا و عده پسری را به ابراهیم داده بود و می‌باشد از سارا

برینا می‌آمد و تنها ابراهیم می‌باشد ایمان می‌داشت و صیر می‌کرد تا

قدراً و عده شور را کامل نماید، اما ابراهیم به قلایخ از تو را هم می‌سرش

تضمیم کرفت تا فور برای رسیدن به هفین هفچ اقام متابیر (شنبههای بزرگ) در تبیه اساعایل بدنی آمد. اساعایل و پهلوانان قلایخ از تو را هم می‌سرش

پر کرد، در سرین پیش ایمان بدنی آمد. در سرین پانزده سالکی بود او از افانه ابراهیم رفت، در

مور اساعایل را فراموش کرد. در این داستان روانه کرد، در این داستان نکوه قلب شدایشینی ابراهیم را از

او سلیمان کرد.

اینها بور که سارا در فراست کرد تا ابراهیم او از هایه بینون کند. ابراهیم

بعنوان یک پدر از این کار راضی نبود ولی خواوند او لوزه ای آب را به هایر و پسرش

دار و آن را روانه کرد. در این داستان نکوه قلب شدایشینی ابراهیم را

روشنی دید. آری شاید در بعضی موارد ما انسانها که هایر اتفاق یافتم که

سبب شود تا اساعایل در زنگی ما پرید آرید و این فدا شفشور نسادر

اما با این وجود فدا و خوار است و ما را فراموش نمی‌کند.

قدراست. در بیانان پدر شیخ ایمان شر، هایر از اساعایل فاصله

کرفت و بظاهر و پنهان بیرون آمد و لوزه ای آب را به هایر می‌داد که فدا کریه شان را شنید

و چاه آن را به آن نشان داد. پشمان آنها باز شد. فدا شما را فراموش

نکرده است. در نکلوست و فکرهای او برای شما فکرهای عالی است.

عسی مسح آب هیات است. او نیاز شما را من از دارد و مشکلات

به سوی شما می‌شتابد. به او اعتنای کنید.

لس آنجلس، آگوست ۱۹۷۷

الناثان باغستانی

هدایای مالی شما باعث طرقی ماهنامه تبدیل خواهد بود. برای رفاه حال شما عزیزان سرویس کارتهای اعتباری نیز فراهم می‌باشد. کمک مالی شامل معافیت مالی خواهد بود.



اراده و خواست خدا

طريق شفای نوایمانان:

در کتاب یعقوب میخوانیم: اگر کسی در میان شما بیمار است... در نظر باشید که یعقوب رسول چه می فرماید.

سؤال او اینست که اگر کسی در بین کلیسا بیمار است، چرا او این سوال را می کند؟ چونکه به وسیله ایمان به کلام زنده خدا و از طریق زخمها بدن اوست که ما ایمانداران شفا یافته ایم. اما بعضی ها هنوز ایمانشان را به حدی تقویت نکرده اند که بتوانند از طریق ایمان به کلام خدا، وعده های او را دریافت کنند. نه تنها این، بلکه بعضی از ایمانداران ایمانشان مستگی به آنچه می بینند دارد. برای اینکه یک مسئله روحانی را پذیرنده باستی اول از طریق احساس طبیعی شان آن را قبول کنند. این نوع افراد یک تازه ایمان هستند. چون کلام خدا در رساله دوم قریتبان ۷ آیه ۵ می فرماید: راهنمای ما در زندگی ایمان ماست، نه آنچه می بینیم.

در رساله اول قریتبان فصل ۳ آیات ۱ الی ۳ می خوانیم: اما ای دولستان من، من نتوانستم همان طور که با افراد روحانی صحبت می کنم، با شما سخن گویم، بلکه ناچار شدم، همان طور که با اشخاص نفسانی یا کسانی که در ایمان به مسیح هنوز خردسال هستند با شما صحبت کنم، به شما شیر دادم، نه غذای بزرگسالان را، زیرا برای آن آماده نبودید و هنوز آماده نیستید. چون شما هنوز هم نفسانی هستید، وقتی حسادت و نزع در میان شما هست، آیا این نشان نمی دهد که نفسانی هستید و مثل مثاب مردم رفخار می کنید؟... کسی که هنوز شیر می خورد قادر به تشخیص کلام نیکی مطلق نیست. امروزه در کلیساها ایمانداران زیادی هستند که در زیر این توییخ کلام هستند. اما نیکی مطلق چیست؟ نیکی مطلق ایمانداران در حضور خدا یا قوای شیطان بدون هیچ حس ترس، کمبوید و گناه است. رساله دوم قریتبان فصل ۲۱ آیه ۵ می فرماید: مسیح کاملاً بی گناه بود، ولی خدا به خاطر ما او را بی گناه نشاخت تا ما به وسیله اتحاد با او ماند خود خدا کاملاً یک شویم.

ایماندارانی که به وسیله این نیکی مطلق زیست می کنند و در کلام مسیح استوارند ایماندارانی هستند که بر تمام موقعيت طبیعی و تمام قوای شیطانی پیروز هستند. کلام خداست که کلام نیکی مطلق است و به وسیله این کلام است که ما بر دنیا پیروز شده ایم. این کلام زنده خداست که انسانها را از بند تاریکی گایاشان آزاد می سازد. وقتی یک ایماندار در کلام خدا رشد کرده و بر آن تکیه می کند، این کلام خدا است که او غذای روحانیش را عطا می کند. همانطور که خداوند فرمود ما به وسیله نان زیست نمی کنیم بلکه بوسیله هر کلامی که از دهان خدا صادر می شود. ولی هنوز افرادی هستند که در ایمانشان مطلق هستند و احتیاج دارند که دیگران برای آنها دعا کرده و جواب دعاهاشان را بگیرند. ایمان اینگونه افراد بر مبنای دعا و نیکی مطلق دیگران است. خود اطمینان ندارند که خدا دعای ایشان را می شنود. برای همین است که یعقوب می فرماید که اینگونه افراد مشایخ کلیسا را صدا کرده تا برای ایشان دعا کنند و دعای ایمان، بیماری ایمانی آنها را شفا خواهد داد. فیض و محبت خداوند برای همه ما در هر سطحی که هستیم تمام احتياجات ما را برآورده کرده است.

شفای مهیا شده به وسیله نجات مسیح:

در این چند بخش گذشته ما متوجه شدیم که شفا چطور به وسیله نام مسیح انجام می شود. همینطور به چه شکل افرادی که هنوز در ایمان خود طفل هستند به وسیله دعای مشایخ کلیسا شفا پیدا می کنند. حال بگذرد بفهمیم که چگونه شفا در مسیح به وسیله نجاتی که او برای ما مهیا کرده است یکی از امتیازات ماست. برای فهم این موضوع ابتدا به کتاب اشیاء نبی فصل ۳ آیات ۳ الی ۵ و ۱۴ نگاهی بیندازیم. یکی از تفسیرهای انگلیسی زبان در مورد آیه ۱۵ اینطور می گوید: خیلی ها در مورد او "مسیح" متغیر شدند. صورت او جانش شکسته شده بود که دیگر یک مثل صورت انسان نبود... مطلق حمل کرد، او نه تنها گناه ماشد بلکه همچنین او مرض ما را بر خود گرفت. وقتی گناه، درد و مرض تمام انسانها بر روی مسیح آمد، او دیگر صورت و ظاهر یک انسان را نداشت. تصویر این مسئله برای اکثر ما مشکل است. آیا چنین محبتی ممکن است وجود داشته باشد؟ متوجه باشید در آیه ۴ و آیه ۱۰ می فرماید: خدا بود که مسیح را مضروب کرد، خدا بود که بیماری ما را بر روی سر خود مسیح عیسی گذاشت. این دلالت الهی بود که طبل پرداخت مجازات و گناهان ما را می کرد. تأثیب سلامتی ما بر وی آمد، یعنی آنچه که جلوی صلح و آرامش ما را می گیرد بر روی او آمد. و از زخمها بدن او روی صلب است که ما شفا یافته ایم. این شفا دو هزار سال پیش قبل از اینکه ما به دنیا بیاییم برای ما مهیا شد. شفا یک مسئله روحانی است، چرا؟ چونکه سرچشمه مرض از گناهان ما انسانها است. قبل از گناه در جهان مرض، فقر و بدیختی وجود نداشت. مرض و درد و فقر موارد روحانی هستند، و خدا برای آنها یک راه حل روحانی برای همه ما انسانها مهیا کرد.

ادامه در شماره بعد...

برای خرید کتاب مقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نماید

(۹۴۹) ۶۸۱ - ۱۵۲۵

(۸۱۸) ۵۲۲ - ۱۵۲۵

از کشتی نوح بیاموزیم



از قایق جا نمانید. به خاطر بسپارید که همه ما در یک قایق (سرنوشت مشترک) از قبل برنامه ریزی کنید. موقعی که نوح کشته می ساخت از باران خبری بود. خود را سالم و سرحال نگه دارید. امکان دارد در سن ۶۰ سالگی کسی از شما بخواهد که دست به کار بزرگی بزند. به حرف نفاذان و عیب جویان گوش ندهید، به کاری که باید انجام دید چسبید.

آنینه تان را در جایی بلند مرتفع بنا کنید. برای رعایت مسائل ایمنی دو تابی سفر کنید. سرعت هیچ مزیت ندارد، حلوون و یوزپلنگ هر دو در کشته بودند. موقعی که دچار فشار روحی هستید، چند روی آب غوطه خورید. به خاطر بسپارید کشته نوح را یک غیر حرفة ای ساخت و کشته تایتیک را حرفه ای ها ساخته! هراسی از توفان به دل راه ندهید. موقعی که با خداید، همشه رنگن کمانی در انتظار تان است.



جعبه کفش

زن و شوهری بیش از ۶۰ سال با یکدیگر زندگی مشترک داشتند. آنها همه چیز را به طور متساوی بین خود تقسیم کرده بودند. در مورد همه چیز با هم صحبت می کردند و هیچ چیز را از یکدیگر پنهان نمی کردند مگر یک چیز: یک جعبه کفش در بالای کمد پیر زن بود که از شوهرش خواسته بود هرگز آن را باز نکند و در مورد آن هم چیزی نبرسد. در همه این سالها پیرمرد آن را نادیده گرفته بود اما بالاخره یک روز پیر زن به بستر بیماری افتاد و پیشگران از اقطع امید کردند. در حالی که با یکدیگر امور باقی را رفع و رجوع می کردند پیر مرد جعبه کفش را آورد و نزد همسرش برد.

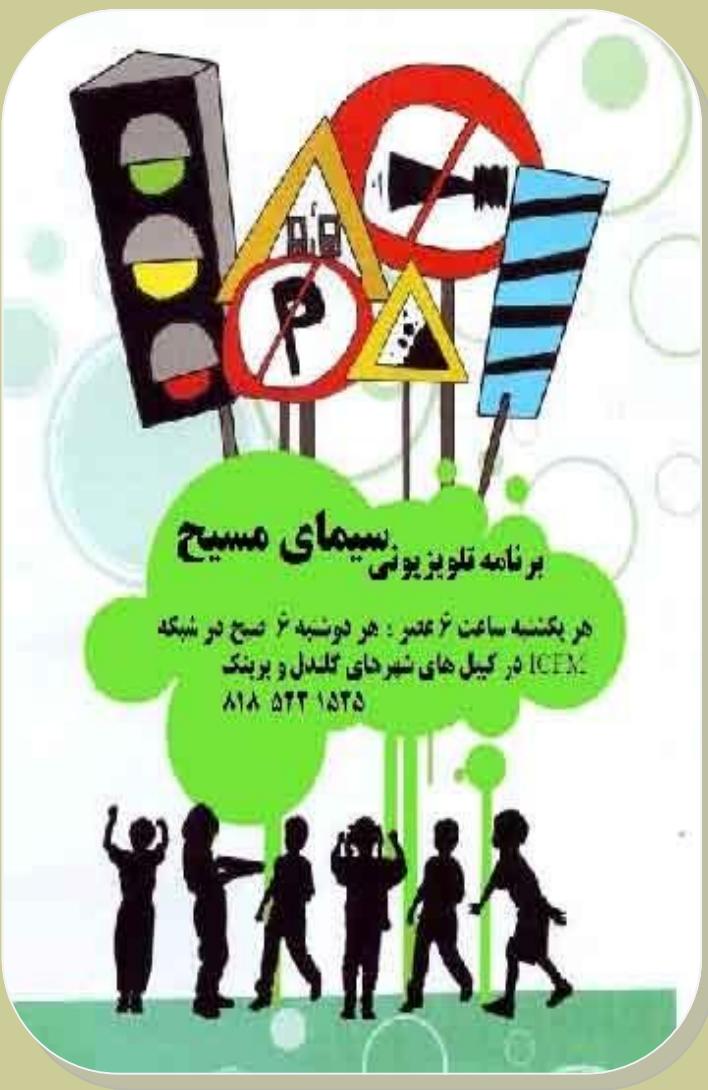
پیرزن صدیق کرد که وقت آن رسیده است که همه چیز را در مورد جعبه به شوهرش بگوید. پس از او خواست تا در جعبه را باز کند. وقتی پیرمرد در جعبه را باز کرد عروسک باقیتی و مقداری پول به مبلغ ۹۵ هزار دلار پیدا کرد پیرمرد در این باره از همسرش سوال نمود.

پیرزن گفت: هنگامی که ما قول و قرار ازدواج گذاشتیم مادر بزرگم به من گفت که هر وقت از دست تو عصیانی شدم ساكت بمانم و یک عروسک بیافم.

پیرمرد به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و سعی کرد اشک هایش سرازیر شود فقط دو عروسک در جعبه بود پس همسرش فقط دوبار در طول زندگی مشترکشان از دست او نرجیه بود از این بابت در دلش شادمان شد پس رو به همسرش کرد و گفت این همه پول چطور؟ پس اینها از کجا آمدند؟

پیرزن در پاسخ گفت: آه عزیزم این پولی است که از فروش عروسک ها به دست آورده ام.





برنامه تلویزیونی سیمای مسیح

هر یکشنبه ساعت ۷ عصر: هر دو شنبه ۷ صبح در شبکه
ICEM در کیل های تلفنی گلددل و بینک
۸۱۸ ۵۶۲ ۱۵۴۵

آیا فرشتگان وجود دارند؟

فرشتگان موجودات روحانی هستند که
دارای عقل و شعور، احساسات، و
اراده هستند و این در مورد فرشتگان

بد (روحای شریور) و خوب هر دو صادق است. فرشتگان عقل و شعور دارند (مت ۱:۱۱، قربانی ۲:۲۹)، احساسات نشان می دهند (لوقا ۲:۲، یعقوب ۲:۹، مکافه ۱۲)، و از اراده شان استفاده می کنند (لوقا ۸:۲۸، یعقوب ۲:۳۱-۲۸، یموئیل ۲:۲۶، پودا ۶)، فرشتگان موجودات روحانی هستند (عبرانیان ۱:۱۴)، که بدن جسمانی حقیقی ندارند. اگرچه آنها بدن جسمانی ندارند، اما شخصیتی خودشان را دارا می باشند.

چون آنها مخلوق هستند، دانش آنها محدود است. یعنی آنها همه چیز را مثل خدا نمی دانند (مت ۲:۲۴)، بنظر می آید که دانش آنها از انسانها بیشتر است که ممکن است به سه دلیل باشد. اول اینکه فرشتگان در ترتیب خلقت از انسان بالاتر آفریده شدند، بنابراین، از دانش بیشتری برخوردارند. دوم اینکه فرشتگان در مورد کلام خدا و دنیا بیشتر و دقیقتر از انسان مطالعه می کنند و در نتیجه دانش بیشتری از آن دارند (یعقوب ۲:۱۹، مکافه ۱۲:۱۲)، سوم، فرشتگان دانش خود را از مشاهده طولانی از کارهای انسان بدست می آورند. برخلاف انسان، فرشتگان مجبور نیستند گذشته را مطالعه کنند چون در آن بوده خودشان آنرا تجربه کرده اند. بنابراین، می دانند دیگران چطور در موقعیتی های مختلف عمل کرده یا عکس العمل نشان داده اند و می توانند با درصد بالاتری حدس بزنند که ما چطور در موقعیت مشابه عمل می کنیم. اگرچه آنها اراده دارند، فرشتگان، مثل همه مخلوقات، زیر اراده خدا هستند.

فرشتگان خوب بوسیله خدا فرستاده می شوند تا
به ایمانداران کمک کنند
(عبرانیان ۱:۱۴)، بعضی از
فعالیت های آنها که در
کتاب مقدس نوشته شده
است عبارتند از: آنها خدا
را تسبیح می خوانند
(زمور ۱:۱۴۸، ۱:۱-۳، اشعیا ۶:۳)،
آنها خدا را پرسش می
کنند (عبرانی ۶:۶، مکافه ۵:
۱۲-۸). آنها در آنچه خدا
اجرام می دهد شادی
می کنند (ایوب ۲:۲)،
آنها خدا را خدمت می کنند
(زمور ۱۰:۳، مکافه ۹:۹).
آنها جواب دعاها را می

آورند (اعمال رسولان ۸:۵-۱۰). آنها کمک می کنند تا مردم به مسیح ایمان بیاورند (اعمال رسولان ۸:۸، ۲۶:۲)، آنها ترتیب مسیحان، اعمال آنها و حمامشان را مشاهده می کنند (قریان ۱:۱۰، افسان ۳:۱۰، یطرو ۱:۱۲)، آنها در وقت های خطر تشویق کننده هستند (اعمال رسولان ۲:۲۷، ۲۲:۲۲، ۲۳:۲۴-۲۵)، در زمان مرج عادلان به خدمت شان شگفتگان شغلولند (لوقا ۱:۶)، فرشتگان کاملاً موجوداتی متفاوت از انسانها هستند. انسان بعد از مرگ فرشته نمی شود. فرشتگان هیچ وقت انسان نبوده و نخواهد بود. خدا فرشتگان را آفرید، همانطور که انسان را آفرید. در جایی از کتاب مقدس نمی بینیم که نوشته باشد فرشتگان بصورت خدا آفریده شدن، اما این در مورد انسان نوشته شده است (پیدایش ۱:۲۶). فرشتگان موجودات روحانی هستند، اما با بعدی روحانی. بزرگترین جسمانی بخود بگیرند. ولی انسانها اصلاً موجودات جسمانی هستند، اما با بعدی روحانی. بزرگترین چیزی که می توانیم از فرشتگان خوب یاد بگیریم این است که آنها فرامانهای خدا را رسیم و بدون سوال کردن اطاعت می کنند.

معلومات کتابهای قدسی دشما
عهد جدید از چند کتاب تشکیل شده است؟

۳۳ ۳۰ ۲۷



اسامی چهار انجیل کدامند؟

پاسخهای خود را با پاسخهای داده شده در صفحه ۱۱ تطبیق دهید.



آئین تدفین مردگان و تغییرات آن از ابتدا در آئین یهود

پس از تأیید فوت یک فرد با رعایت جوانب احترام به جسد میت، در اولین فرست ممکن با ترتیب خاصی وی را غسل داده و پس کنن (که از پارچه نصی سفید رنگ تهه میگردد) پوشانده میشود. در حین مراسم آیاتی از کتاب مقدس و دعاها بیانی در زمینه بخشش و مغفرت مرحوم خوانده میشود.

میت در زمین به صورت شرقی-غربی (با طرف بیت المقدس) دفن میگردد.

- در زمانهای گذشته (هزار سال قبل) برای کفن میت برخی از پارچه های گرانقیمت و تزئینات گرانها

به کار میبردند که برای جلوگیری از بی احترامی به افراد مسکین، علمای یهود تصویب کردند که همه افراد برای کفن از پارچه نخی یا کتانی استفاده نمایند.



دختر کوچکی هر روز پیاده به مدرسه می رفت و بیر می گشت. با این که آن روز صبح هوا زیاد خوب بود و آسمان نیز ابری بود، دختر بجه طبق معمول همیشه، پایه سیوی مدرسه راه افتاد. بعداز ظهر که شد، هوا رو به وحامت گذاشت و طوفان و رعد و برق شدیدی در گرفت. مادر کودک که نگران شده بود مبادا دخترش در راه بازگشت از طوفان بررسی یا اینکه رعد و برق بلاجی بر سر او بیاورد، تصمیم گرفت که با تمویل بدنیان دخترش برود. با شنیدن صدای رعد و دیدن برقی که آسمان را مند خنجری درید، با عجله سوار ماشینش شده و به طرف مدرسه دخترش حرکت کرد. اوست راه، ناگهان چشمش به دخترش افتاد که مثل همشه پایه به طرف منزل در حرکت بود، ولی با هر برقی که در آسمان زده میشد، او می استاده باشد آسمان نگاه می کرد و لبخند می زد و این کار با هر دفعه رعد و برق تکرار می شد. زمانی که مادر اتومبیل خود را به کار دختر ک رساند، شیشه پنجره را پایین کشید و از او پرسید: "چکار میکنی؟ چرا همینطور بین راه می ایستی؟" دختر ک پاسخ داد، "من سعی می کنم صورتم ششگ ک به نظر بسیار، چون خداوند دارد مرتب از من عکس می گیرد؟"

روزی نو آغازی نو با نام تو
فصلی تازه عشقی سوزان با نام تو
راهی نو رازی تازه با یاد تو
با نسیم عشق فصل
رویش با نام تو
چون بهار زندگیست با نام تو
هر دل ذره بخواند نام تو
هر چه زیباییست در این عالم
حمد گوید شکر گوید نام تو
چون که هستی
جان گرفت با نام تو
هر کلام است سمت اغایی نو
چون بروید سبل
در بیابان با نام تو
هست مرحم هست درمان نام تو
من همی خواهم تورا در نام تو
من که شادی میکنم در نام تو
ای مسیح چون تورا دیدم
من راه حیات
من تولد یافتم در نام تو

خواننده گرامی آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای خصوص دارد؟
تیم دعای ما در ماهنامه تبدیل امداده خدمت به شما می باشند.
از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

Email:Tabdil@iranforchrist.com

P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA



شهرهوش را ندید و هرگز هم به میهنش برنگشت. کشیش می خواست رومیزی را به زن بدهد، ولی زن گفت: بهتر است آن را برای کلیسا نگه دارید. کشیش اصرار کرد که اقلای بکاردار او را اتومبیل به خانه اش برساند و گفت این کمترین کاری است که می توانم برایتان انجام دهم. زن پذیرفت. زن در سوی دیگر شهر، یعنی جزیره استان Staten Island زندگی می کرد و آن روز برای تمیز کردن خانه یک نفر به این سوی شهر آمده بود. شب کریسمس برنامه عالی برگزار شد. تالار کلیسا چکه کرده بود و در نیجه کشیش رومیزی را خرید و به کلیسا برگشت. حالا دیگر بارش برف آغاز شده بود زن سالمندی که

موسیقی و روح حکمفرما بر کلیسا فوق العاده بود. در بیان برنامه و هنگام خداحافظی، کشیش و همسرش با یکدیگر هم به میهنش برنگشت. کشیش می خواست رومیزی را به زن بدهد. کشیش دست داده و خدا نگهدار گفتند، بسیاری از آنها گفتند که باز هم به کلیسا خواهند آمد. وقتی کشیش به درون تالار نیایش برگشت مرد سالمندی را که در نزدیکی کلیسا زندگی می کرد، دید که هنوز روی نیمکت نشسته است. مرد از کشیش پرسید که این رومیزی را از چه رغبتی و سیاستی باز کشید تا اتوبوسی که تقریباً در حال حرکت بود بررسد، ولی تلاشش بی فایده بود و اتوبوس راه افتاد اتوبوس بعدی ۴۵ دقیقه دیگر می رسید. کشیش به زن پیشنهاد کرد که به جای ایستادن در هوای سرد به درون کلیسا بیاید و آجرا منتظر شود. زن دعوت کشیش را پذیرفت و به کلیسا آمد و روی یکی از نیمکت‌های تالار نیایش نشست. کشیش رفت نزدیک را آورد تا رومیزی را روی دیوار نصب کند. پس از نصب، کشیش نگاه رضایت مندانه ای به پرده آویخته شده کرد، باورش نمی شد که این قدر زیبا باشد. کشیش متوجه شد که زن به سوی او می آید. زن پرسید: این رومیزی را از کجا گرفته اید؟ و بعد گوش رومیزی را به دقت نگاه کرد. در گوش آن سه حرف گلدوزی شده بود. اینها سه حرف نخست نام و نام خانوادگی او بودند.

او ۳۵ سال پیش این سخنان، کشیش به مرد گفت: اجازه بدهید با ماشین دوری بزنم و با هم گفت و گویی داشته باشیم. سپس او را سوار اتومبیل کرد و به جزیره استان و خانه زنی که سه روز پیش اورا دیده بود، برد. کشیش به مرد مکمک کرد تا از پله‌های ساختمان سه طبقه بالا ببرود و وقتی جلوی در آپارتمان زن رسید، زنگ در راه صدا آورد. وقتی زن در را باز کرد، **صحنه دیدار** دیواره زن و شوهر پس از سالها وصف ناشدنی بود...

صحنه دیدار صحنه دیدار....

کشیش تازه کار و همسرش برای نخستین مأموریت و خدمت خود که بازگشایی کلیسا بی در حجمة بروکلین (شهر نیویورک) بود در اوایل ماه اکبر وارد شهر شدند. زمانی که کلیسا را دیدند، دلشان از شور و شوق آکنده بود. کلیسا کهنه و قدیمه بود و به تعمیرات زیادی نیاز داشت. دو نفری نشستند و برنامه ریزی کردند تا همه چیز برای شب کریسمس آماده شود. کمی پیش از ده ماه برای انجام کارها وقت داشتند. کشیش و همسرش سخت مشغول کار شدند. دیوارها را با کاغذ دیواری پوشاندند. جاهایی را که رنگ لازم داشت، رنگ زندن و کارهای دیگری را که باید می کردند، انجام دادند. روز ۱۸ دسامبر آنها از برنامه شان جلو بودند و کارها تقریباً رو به پایان بود. روز ۱۹ دسامبر باران تندي گرفت که دو روز ادامه داشت. روز ۲۱ دسامبر پس از پایان بارندگی، کشیش سری به کلیسا زاد، وقی وارد تالار کلیسا شد، نزدیک بود قلب کشیش از کار بیافتد. سقف کلیسا چکه کرده بود و در نیجه بخش بزرگی از کاغذ دیواری به اندازه‌ای حدود ۵/۲ متر در روی دیوار جلویی و پشت میز موضعه کنده شده و سوراخ شده بود. کشیش در حالی که همه خاکروههای های کف زمین را با که می کرد، با خود اندیشید که جاره‌ای جز به عقب انداختن برنامه شب کریسمس ندارد. در راه بازگشت به خانه دید که یکی از فروشگاه‌های محله، یک حراج خیریه برگزار کرده است. کشیش از اتومبیل پیاده شد و به سراغ حراج رفت. در بین اجنس حراجی، یک رومیزی بسیار زیبای شیری کلیک دستبافت دید که به طرز هنرمندانه ای روی آن کار شده بود. رنگ آمیزی اش عالی بود. در میانه رو میزی یک صلیب گلدوزی شده به چشم می خورد. رومیزی درست به اندازه سوراخ روی دیوار بود. کشیش رومیزی را خرید و به کلیسا برگشت. حالا دیگر بارش برف آغاز شده بود زن سالمندی که از جهت رو به روی کشیش می آمد دوان کوشید تا اتوبوسی که تقریباً در حال حرکت بود بررسد، ولی تلاشش بی فایده بود و اتوبوس راه افتاد اتوبوس بعدی ۴۵ دقیقه دیگر می رسید. کشیش به زن پیشنهاد کرد که به جای ایستادن در هوای سرد به درون کلیسا بیاید و آجرا منتظر شود. زن دعوت کشیش را پذیرفت و به کلیسا آمد و روی یکی از نیمکت‌های تالار نیایش نشست. کشیش رفت نزدیک را آورد تا رومیزی را روی دیوار نصب کند. پس از نصب، کشیش نگاه رضایت مندانه ای به پرده آویخته شده کرد، باورش نمی شد که این قدر زیبا باشد. کشیش متوجه شد که زن به سوی او می آید. زن پرسید: این رومیزی را از کجا گرفته اید؟ و بعد گوش رومیزی را به دقت نگاه کرد. در گوش آن سه حرف گلدوزی شده بود. اینها سه حرف نخست نام و نام خانوادگی او بودند. هنگامی که چکونه پیش از جنگ جهانی دوم، او شوهرش در اتریش زندگی خوبی داشتند، ولی هفتاه پس از او، وی بیروند ولی شوهرش توسط نازیها دستگیر و زندانی شد و زن دیگر هرگز



کلیساي سفیران مسيح



از شما دوستان فارسي زبان عزيز دعوت
به عمل مي آوريم تا در جلسات عبادتی
این کلیسا که هر شنبه ساعت ۶ عصر در
شهر ودلند هلز و هر یکشنبه ساعت
۶ عصر در شهر ارواین برگزار
مي گردد، حضور يهم رسانيد.

۱۵۲۵ (۸۱۸) - ۸۰۰۰ (۶۸۱) - ۹۴۹

21300 Califa st. Woodland Hills, CA 81367
18842 Teller Ave. Irvine, CA 92612
www.SimaMasih.com info@IRANforCHRIST.com

جاناتان گوفورت مرد دعاهاي قدرتمند بود. در مورد او گفته شده است، وقتي او در مردم اراده خدا در دعا اطمینان حاصل مي کرد آتفدار با قدرت به دعاهاي خود ادامه مي داد تا آن امر تحقق مي یافت.
اندرو موري نيز يكى از بزرگترین مردان دعا بود. او در کتابی تحت عنوان مسيحي اهل دعا چنین نوشته است: اين راه همه میدانند که شخص مسيحي نيازمند قدرت است. اين نيز حقیقت دارد که فرد مسيحي از خود همچو قدرتی ندارد. از کجا میتوان به اين قدرت دست یافته؟ به پاسخ اين سوال توجه كيده:
خلاصه اى برادران من در خداوند و در تواناني قوت او زور آور شويد، (افسiano: ۱۰)
پولس دربار نخست اين رساله در مردم راين قدرت یا قوت سخن به ميان آورده بود. (افسiano: ۱۱) ۲۰ او برای آنها دعا کرده بود تا خدا، روح القدس را به آنها عطا کند تا آنها عظمت بي نهايت قدرت او نسبت به مومنين را که بر حسب عمل توانايي قوت او در مسيح عمل کرد و او را از مرد گان برخيزانيد، بدانند.
حقيقتي که در اين جا گفته شده است، اين است: عظمت بي نهايت قوت او که مسيح را از مرد گان برخيزانيد در همه ايمانداران عمل مي کند. اين قدرت در من و تو عمل مي کند. ما به سختي اين حقيقت را باور مي کنیم و حتى کمتر از آن نيز اين قوت را تجربه مي کنيم. برای همین است که پولس رسول دعامي کند و ما نيز باید با او دعا کنیم تا خدا تو سط روح القدس به ما تعلیم دهد تا به قدرت مطلق او ايمان بیاوریم. اکتون با تمام دل اين طور دعا کيده: يدرب، روح حکمت را به من عطا کن تا اين قوت را در زندگي خود تجربه نمایم. دعا کيده تا روح خدا چشمان شمارا روشن سازد. به قوت الهي که در وجود شما عمل مي کند ايمان بیاوريد. دعا کيده تا روح القدس اين را برای شما مکشوف سازد تا شما و عده خدارا که قول داده است قدرت خویش را در دل شما نمایان سازد کسب نماید، قدرتی که مي تواند نیازهای شما را برآورده سازد.

من صلیب او را به دوش گرفتم

من، به سوي کشتارها مي رفتم که او را دوش گرفته و انبوه مردمان در بى اش روان بودند. آنگاه، من دوش به دوش او راه رفتم. باري که بر گرفته بود، بارها او را باز مي استاند، زира که بدنش از توان فروافتاده بود. آنگاه يك سرياز رومي به سوي من آمد و گفت: يلا تو نيروند و تواني. صلیب اين مرد را بير. زمانی که اين سخنان را شنیدم، قلبم تپيد و از سپاس ملام شدم. من صلیب او را به دوش گرفتم. صليبي سنگين، زيرا که از چوب سپدارهای که باران زمستاني آنها را خيسانده بود، ساخته شده بود. و عيسا به من نگريست. عرق از پيشاني اش بر ريش او فرو مي ریخت. او دیگر بار به من نگاه کرد و گفت: آيا تو هم از اين جام خواهی نوشيد؟ به راستي تو نيز در پایان زمان با من. جرعيه اى از آن خواهی نوشيد. چون چنین گفت، دستش را بر روی آن شانه من که آزاد

بود نهاد و با هم به سوي چلختا روانه شديم.ولي اکتون من دیگر سنگي صلیب را حس نمی کردم. من تهادت او را حس مي کردم که مانند بال پرنده اى بود که بر شانه من است. سپس، ما به بالاي پيه رسيديم و در آنجا او را به صلیب کشيدند. و آنگاه بود که من سنگيني درخت را حس کردم. آن زمان که میخ ها را بدستها و پاهایش بیکوبیدند، هیچ نگفت و آواجي از وي برپيامد. دستها و پاهایش در زير چکش به لرزه در نیامدند. گويا! دستها و پاهایش مرده بودند و تنها زمانی زندگي باز مي یافتند که در خون شست و شو مي کردند. چين پنداشتي که او میخ هاراهمچون شاهزاده اى که عصا شهرياري را مي جويد، پذير گشته بود و میخواست تا اوچ ها بر افراشته شود. دل من بر وي شفقت نيارد. زير از شکفتني آكده بودم. اکتون مردي که من صلیب را بر دوش کشیده بودم، خود صلیب من گشته بود. اگر دیگر بار به من بگويند. صلیب اين مرد را بير. من آن را تا پایان راه خویش که به گور مي انجامد، بر دوش خواهم گرفت. اينك، سال ها سپري شده است و من هنوز هرگاه از کشتارهاي کرت بندی شده مي گذردم و يا در آن لحظه هاي خواب آلوده پيش از به ستر رفتن، همواره به آن مرد محبوب مي اندیشم. و دست بالدار او را بر شانه خویش حس مي کنم. از جيران خليل جيران

روزه داري يهود يان و مسيحيان

روزه داري در عهد عتiq

روزه گرفتن از عبادات يهوديان بوده است که چندين بار در تنخ يهودي يا عهد عتiq به آن اشاره شده است. موسى پيش از دريفات الواح عهد از يهوه، چهل شبانه روز در کوه سينا روزه گرفت و از خوردن آشاميدن پر هيز گرد. داود در هنگام بيماري پرسش از بت شابيع زن اوري، روزه گرفت. یهوشافط پس از پيروزی يهوديه بر موآبي ها و عمونيان چهل روزه گرفت. یوئيل و یونس نيز برای دور کردن خشم خدا به مردم دستور به روزه گرفتند. مرد خاچي و استر نيز از دیگر از شخصیت هاي عهد عتiq هستند که پس از فرمان هامان وزير اخشورش برای قتل عام يهوديان چندين شبانه روز روزه گرفتند.

يهوديان همچنین در روز تيشا باو يا «نهمن روز از ماه عبري آو» که روزي است که معبد اورشليم دوبار در سالهای ۵۸۶ قبل از ميلاد و ۷۰ ميلادي، تخریب شد، به روزه داري مي پردازند. اين روز «شوم ترين روز تاریخ يهود» شناخته مي شود.

روزه داري در عهد جديد

بر اساس عهد جديد، فريسيان و پيروان یتحيي روزه مي گرفتند اما شاگردان عيسى روزه نمی گرفتند. در انجل مي آمده است: ^{۱۰} و شاگردان يتحيي نزد وی آمده، او را گرفتند که چون است که ما و فريسيان روزه مي داريم و شاگردان تو روزه نمی گيرند. ^{۱۱} عيسى ايشان را گفت که آيا تو اند شد که پرسان در عروسی غمگين گردند تا آن که داماد با ايشان است، لیکن آن روزی که داماد از ايشان گرفته شود آن گاه صائم خواهد گردید. ^{۱۲} هچکس بپراهن کهنه پارچه کريباس نو و صله نمی گذارد زير اکه آنچه به صله مي گذارد، دريد گي پيراهن را زاشت تر مي کند. ^{۱۳} يا شراب تازه را در مشكهاي کهنه پارچه کريپند و مشكهاي شراب تازه را در مشكهاي نو مي ريزند تا هردو بيمانند. انجل متى، باب نهم، آيات ۱۵ تا ۱۶ باين حال عيسى در بیان چهل شبانه روز روزه گرفت و یتعبد دهنده مکر روزه مي گرفت. متى از عيسى نقل کرده است که ديو جز به دعا و روزه از جسم انسان پيرون نمروند. اما عيسى روزه رياکاران را تقبیح مي کرده است. ^{۱۷} و چون روزه مي گيريد چون رياکاران کشیده روند و نباشد که چهره خویش رادر هم ميکشدند تادر نظر مردم روزه دار نمایند، به درستي به شما مي گويم که ايشان اجر خود را گرفته اند. ^{۱۸} لیکن تو هرگاه روزه مي گرسي، سر خود را چرپ کن و روزي خویش را بشو ^{۱۹} تا در نظر مردم روزه دار ننمایي بلکه در نظر پدر خود که پدر تو نهان را مي داند و آشکارا تو را جزا خواهد داد. انجيل متى، باب هفتم، آيات ۱۷ تا ۱۹



مفهوم اصطلاح زير آب زدن. زير آب، در خانه هاي قديمی تا کمتر از صد سال پيش که لوله کشي آب تصفیه شده بود، معنی داشت. زير آب در انتهای مخزن آب خانه ها بوده که برای خالی کردن آب، آن را باز مي کردند. اين زير آب به جاهي راه داشت و روش باز کردن زير آب اين بود که کسی درون حوض ميرفت و زير آب را باز مي کرد تا لجن هئ حوض از زير آب به چاه برود و آب باکيذه شود. در همان زمان وقتی با کسی دشمني داشتند. برای اينکه به او ضریبه بزنند زير آب حوض خانه اش را باز ميکردند تا همه آب تمیزی را که در حوض دارد از دست بدهد. صاحب خانه وقتی خبردار مي شد خيلي ناراحت ميشد. چون بى آب ديماند. اين فرد آزره به دوستانش ميگفت: زير آب را زاده اند.

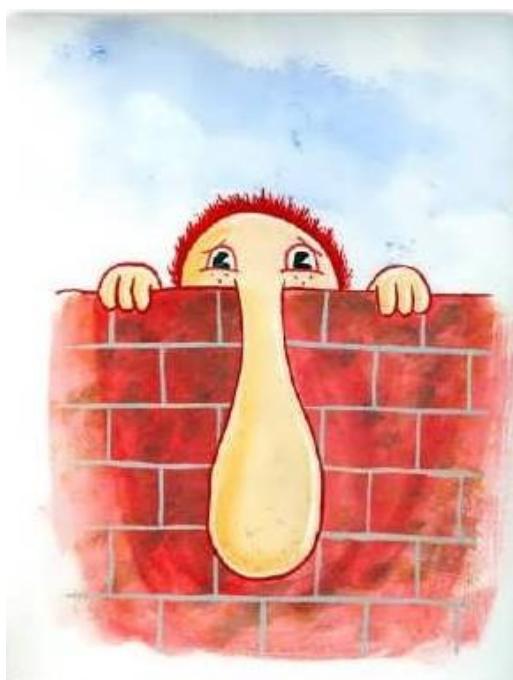
ستون هندو ۵۵۵

دماخ بزرگ!

شاید بسیاری از داشتن بینی بزرگ ناراضی باشد اما تحقیقات دانشمندان نشان میدهد صاحبان این بینی‌ها بهتر می‌توانند خود را از بیماری‌هایی مانند سرماخوردگی محافظت کنند.

محققان متوجه شدند هر چه اجزای صورت مانند بینی و لبها بزرگ‌تر باشند به همان اندازه ذرات گرد و غبار و باکتری‌های کمتری وارد بدن می‌شود. محققان دانشگاه پیر آ در آمریکا دو بینی روى دو صورت مصنوعی ۳/۲ برایر از دیگری بزرگ‌تر بود. این دو بینی روى دو صورت مصنوعی قرار گرفت و دولب مصنوعی با شکلها و اندازه‌های متفاوت نیز به ترتیب روی این صورت آزمایش شد.

دانشمندان متوجه شدند در بینی‌های بزرگ‌تر تا ۵/۶ درصد ذرات کمتری وارد مسیر تنفسی می‌شوند. هم چنین میزان ورود ذرات از میان لبهای



بزرگ‌تر نیز ۲/۳ درصد کمتر است. دکتر رنی آتنوئی استادیار دپارتمان سلامت محیط از دانشگاه پیر آ که این تحقیقات را انجام داده است در این باره گفت: بینی بزرگ‌تر خطر و رود عفونت به بدن را کاهش داده و همچنین ممکن است میزان آلودگی هوای وارد شده به بدن را نیز کمتر کند.



بدن از هر قوم

اون سر است فرمان حرکت می‌دهد
این تن است که کار کند از پی سر
در تابات میشود زیبا دگر
این فقط در نام عصی میشود
از همه قوم‌ها کلیسا میشود
اعضا را این تن

شاپته بدن شود

علی بزید



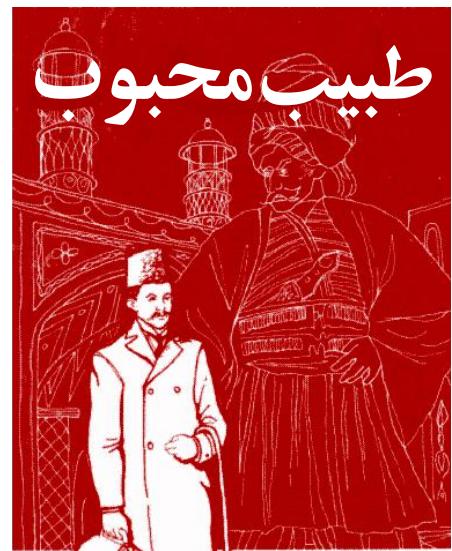
یماران را عیادت، فقیران را مینمود و براشان کتاب مقدس میخواند و با سخنان گیرایش آنها را دلداری میداد. سفارش میکرد که خود و درماندگان و یعنیایان دیگر در صورت امکان به منزلش بروند.

خانه او، خانه امید و درش بر روی همه نیازمندان باز

بود. سفره اش همیشه گسترده و عده‌ای مهمان ناخوانده به دور آن جمع بودند. دوستانش به تهران می‌آمدند و هفته‌ها در خانه اش میخورند و میخوابند. از هم بدن تعارف و تشریفات ظاهری، با خوشروی و صمیمیت پذیرایی میکرد. از سه فرزندش، فقط سارا با شوهرش در میدان زندگی میکرد. سوئیل بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی در رشته مهندسی، در انگلستان به خدمت

زیر پرچم اعزام و در حین انجام وظیفه شدیداً مجرح گردید.

بعد از پایان خدمت سربازی از طرف دولت انگلستان به عنوان طراح بانک انگلیس به ایران آمد. کار او توسعه و تأسیس شبه‌های بانک مذکور در سراسر کشورهای ایران و عراق بود. سوئیل با یک دختر خانم میسونر آمریکایی فارغ التحصیل دانشگاه کارهای داشت آزادوایی کرد. او پس از ۱۹ سال خدمت و همکاری در امور بانکی در سال ۱۳۲۱ به خانواده اش که در مکریکو نیویورک بودند ملحق شد.



شرح زندگی
دکتر سعیدخان کردستانی

قصت یازدهم: پر شک خانواده

بعد از جنگ جهانی اول، به سرعت اوضاع ایران تغییر کرد. با کودتا رضا شاه کبیر در سوم اسفند ۱۲۹۹ نظم و آرامش برقرار شد. او با اصطلاحات وسیعی در حکومت، فرهنگ و اجتماع پس از آن به یک مرض فقراتی مبتلا و در بیمارستان ستری شد. ایران آزار نمود. در نتیجه این تغییر و تحول سیاسی و برقراری دکتر سعید خان از وضع و خیم پرسش مطلع شد، برای آن که امینیت، زندگی دکتر سعیدخان در کارطباط به آرامی میکشت. خانواده‌اش را نگران و ناراحت نکند از افشاء آن خودداری نمود ولی خود هفتاد سال از عمرش گذشته بود. منزل و مطب او در مرکز شهر تهران، در کنار یک خیابان مشجر واقع شده بود. در طول دو طرف این خیابان مغازه‌های کوچک و متعددی موجود بود و چهار راه آن وزارت جنگ و در قسمت شرقی، را بدورد گفت و در انگلستان دفن شد. مرگ لمولی ضربه محظوظ میسون آمریکایی قرار داشت. حیاط منزل دکتر سعید خان دورب بزرگ‌تر داشت که یکی درب و روودی مطب و دیگری سوگوار ساخت. بدون شرح بیشتری در مورد کاکه، سرگذشت مخصوص منزل شخصی اش بود. در وسط حیاط خوبی قراردادشت این خانواده تکمیل نخواهد بود. شاید دکتر سعیدخان در طول مدت زندگی مسیحی خود شهادتی که بیشتر از تغیر زندگی کاکه، که اطراف آن با بوته‌های گل و درختان اقا و کاج محصور حفایت و قادرت سیبی را نشان دهد، نشیده و ندیده بود. کاکه شده بود.

صبحهای زود بیدار میشد، پس از راز و نیاز، صبحانه میخورد و پس از آمدن به همدان چند سال در پیرامون مسیحیت به تحقیق و احترام و اعتماد مردم را به خود جلب مینمود. پس از مطب میرفت. از صبح تا ظهر و از دو تجسس و تفکر پرداخت تا آنکه قلاب این آین را پذیرفت. او در بعد از ظهر تا وقتی هوا تاریک میشد مشغول معاینه و مداوای راهی قدم برداشت که برگشتش محل و غیر ممکن بود. دیدن این شخص که روزی مقام و منزلی داشت و اکنون برای امرار در اطاق انتظار ملماز مرضان و گاهی معاش خود کار مهمتری و تیمار اسبها را به عهده گرفته، انسان را موقع کار، روپوش سیلی می‌پوشید و گوشی مخصوص را بگردن می‌اویخت. وقار، بردباری، عفت کلام، نجابت و رفتار سیندهادش پس از آمدن به همدان چند سال در پیرامون مسیحیت به تحقیق و احترام و اعتماد مردم را به خود جلب مینمود. قوه تشخصی از به عهده گرفت. سپس به تبلیغ به تبلیغ و تبیش مسیحیت پرداخت چنان بود که غالباً بدون استفاده از وسائل آزمایشگاهی به طور سالهای متعدد جزوای و نشایرات مسیحی را توزیع و در کوچه مستقیم و دقیق به نتیجه مشت میرسد. دکتر سعیدخان علاوه بر بازارهایان با مردم دریاری مسیح صحبت میکرد و یاسوار برالاغ طبای روزانه و سرکشی بیماران در منازل و صحبت‌های انفرادی به دهات مجاور میرفت و بشارت میداد. گاهی به قوه خانه‌های با مریضان، هفته‌ای دوباره این خود جلسه بشارتی در درس کتابمقدس داشت. جلسات روزهای یکشنبه که در مدرسه شبانه روزی درس میخواندند برگزار میشد مخصوص مسیحیان، ولی روزهای پنجشنبه عمومی، پیری و کهولت و نقص شوانی، باز هم خواست به مسافرت از قسمتهای کتابمقدس انتخاب و به ترتیب قرائت و تفسیر میشد. یکی از روزهای تابستان ۱۳۱۰ خورشیدی از ستدنگ تلگرافی دکتر قبل از موضوعی را تهیه نمیکرد. او از این کار بسیار لذت میرید. در زمان مخصوصاً برای علاقه‌مندان غیر مسیحی ترتیب داده بود. بعضی از قسمتهای کتابمقدس انتخاب و به ترتیب قرائت و تفسیر میشد. یکی از روزهای تابستان ۱۳۱۰ خورشیدی از ستدنگ تلگرافی دکتر قبل از موضعی را تهیه نمیکرد. او از این کار بسیار لذت میرید. در زمان که تیجه سالیان متمادی مطالعه کتابمقدس بود سخن میگفت و کلی الملک بدآجga برود. سعیدخان از دامادش دکتر تاتاووس شوندگان را به عقیق تعالی و حقیقت آن آشنا میساخت. با وجود خواست که همراه وی برود و او را برای کنک. ضمناً دکتر سعید کار و کوشش فراوان، طوری برنامه خود را تنظیم می‌نمود که خان برای کاکه بیغام فرستاد که حاضر شود تا وی را همراه خود بتواند به آسانی به همه کارها برسد. هر موقع که او را بر بالین بگردستان ببرد. کاکه پس از گذشت نیم قرن میخواست برای بیماران میخواندند با کمال میل بدون کوچکترین عذری فوری او لین بار به زادگاه خود برگرد. قدر برایش هیجان انگیز بود! قبول می‌کرد و به کمک دردمدان میشافت. گاه‌گاهی کتاب و هنگام ورود به ستدنگ از دو برادر به گرمی استقبال شد. مقدس را در دست گرفته، قدم زنان کیلومتر راه پیمائی میکرد

«رحمت تو»

دست من و ردای تو

ای که توبی خدای من

هر سخن ثانی تو

در همه شعرهای من

فیض تو از زمین ما

تا به جلال کیریا

غُنده گشنا زدست و پا

ای تو گره گشای من

بر من اگر ستم رود

تهمت بیش و کم رود

هستی ام از کتم رود

دامن توست جای من

رحمت توست در جهان

به ز حیات جادان

چونکه ز رحمت عیان

گشته مرا، بقای من

کیست به جز تو ای خدا

در دو جهان خدای ما

نژد صلیب پادشا

شسته شده خطای من

بر من اگر ستم رود

تهمت بیش و کم رود

هستی ام از کتم رود

دامن توست جای من

ع.س

مکایت زن و فداوند

روزی روزگاری زنی در کلبه‌ای کوچک زندگی می‌کرد. این زن همیشه با خداوند صحبت می‌کرد و با او به راز و نیاز می‌پرداخت. روزی خداوند پس از سالها با زن صحبت کرد و به زن قول داد که آن روز به دیدار او بیاید.

زن از شادمانی فریاد کشید، کلبه

اش را آماده کرد و خود را آراست

و در انتظار آمدن خداوند نشست!

چند ساعت بعد در کلبه او به صدا

درآمد! زن با شادمانی به استقبال

رفت اما به جز گلایی مفلوک که با

لباهای مندرس و پاره‌اش پشت

لایسهای در ایستاده بود، کسی آنچه نبود!

زن نگاهی غضب آلود به مرد گذاشت و با عصباتی در را به روی او

بست. دوباره به خانه رفت و دوباره به انتظار نشست! ساعتی بعد باز هم کسی

به دیدار زن آمد. زن با امیدواری بیشتری در را باز کرد. اما این بار هم فقط

پرسچهای پشت در بود. پرسک لایاس کهنه‌ای به تن داشت، بدن نحیفش از

سرما می‌لرزید و نیگش از گرسنگی و خستگی سفید شده بود. صورتش سیاه

و زخمی بود و امیدوارانه به زن نگاه میکرد! زن با دیدن او بیشتر از پیش عصبانی

شد و در رام محکم به چهار چوبش کوپید. و دوباره منتظر خداوند شد. خورشید

غروب کرده بود که بار دیگر در خانه زن به صدا درآمد. زن پیش رفت و در

را باز کرد... پیرزنی گوژپشت و خمیده که به کمک تک چوبی روی پاهایش

استناده بود، پشت در بود. پاهای پیرزن تحمل نگاه داشتن بدن نحیفش را

نداشت. و دستانش از فرط پیری به لرزش درآمده بود. زن که از این همه

انتظار خسته شده بود، این بار نیز در را به روی پیرزن بست! شب هنگام زن

دوباره با خداوند صحبت کرد و ازاو گلایه کرد که چرا به وعده اش عمل

نکرده است؟ آنگاه خداوند پاسخ گفت:

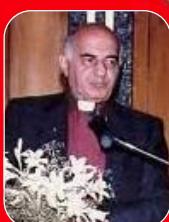
من سه بار به در خانه تو آدم، اما تو به خانه ات راه ندادی!

چنانچه مایل هستید، میتوانید نسخه چاپی کتاب مقدس

فارسی را در وب سایت زیر مطالعه فرمائید.

www.SimaMasih.com

موفقیت در زندگی زناشویی



نویسنده: دیوید میس
ترجم: ط. میکانیان
فصل هشتم، کار

۵۲

ماهنشامه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا

با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبدیل باری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year
Name _____

Address _____

City _____ State _____

Zip _____

Phone () _____

Please clip and return with payment to:
Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA
Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525 949. 681. 8000
<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>

مروارید چگونه به وجود می‌آید؟

مروارید نوعی موجود آبزی صدف دار است که در بستر رودها و دریاها زندگی می‌کند و قبیل گرگمه می‌شود، دهان باز کرده و مقداری آب را با موجودات ریز خوارکی می‌باعد گاه شن ریزه‌ای نیز داخل صدف می‌شود که درست مانند گرد و خاکی که چشم انسان را آزار می‌دهد برای



آزار دهنده است و این باعث ترشح ماده‌ای می‌شود که «مروارید زا» نام دارد بر اثر ترشحات چنان لایه به لایه شن ریزه را در میان می‌گیرد که سرانجام مروارید زیبا به وجود می‌آید.

رافنده تاکسی

روزی سوار یک تاکسی شدم تا به فرودگاه بروم. ما داشتیم در رج (خط عبوری) درستی می‌رفتیم که ناگهان یک خودرو راکسی تند و سخت تر مرا گرفت. خورد و سُرخور، و درست در دورنای (فاسله) چند سانتیمتر از آن خودرو نگاه داشته شد! راننده آن خودرو سرش را ناگهان بر گرداند و آغاز به فریاد زدن کرد. راننده تاکسی ام تنها لبخندزد و برای آن راننده دست جباند. میخواهم بگویم که او به راستی دوستانه برخورد



کرد. بنابر این پرسیدم: «چرا شما آن رفتار را کردید؟ آن آدم نزدیک بود خودروی تان را دراغون کند و موارا به بیمارستان بفرستد!» در آن هنگام بود که راننده تاکسی درستی را به من داد که اینک به آن می‌گویم: «قانون کامپیون حمل زباله.» او گفت که بسیاری از مردم مانند کامپیونهای پیمانه (زیله) بر هستند. آنها سراسر از پیمانه (آتفنا)، ناکامی، خشم، و نایابی در این سو و آنسو می‌گردند. هنگامیکه پس مانده‌ها در در رفای جانشان تلبیار می‌شوند، به جایی نیاز دارند تا آنرا تهی کنند و گاهی روی شما تهی می‌کنند. به خودتان نگیرید. تنها لبخند بزند، با دستی تکان دهید و برایشان آزوی نیکی بگیند و بروید. پس مانده‌های آنها را نگیرید و به دیگران در سر کار، در خانه، یا در خیابانها پخش نکنید. سخن پایانی این است که مردم شاد و پیروزمند بروانه نمی‌دانند که کامپیونهای پس مانده‌ای روزشان را نایاب و نیره کنند و هم بزینند. زندگی کوتاه تر از آن است که بامداد گان با دریغمدنی از خواب برخیزید، از این رو «کسانی را که با شما خوب رفاقت می‌کنند را دوست داشته باشید و برای آنها بای که رفتار درستی ندارند نیایش کنید.»

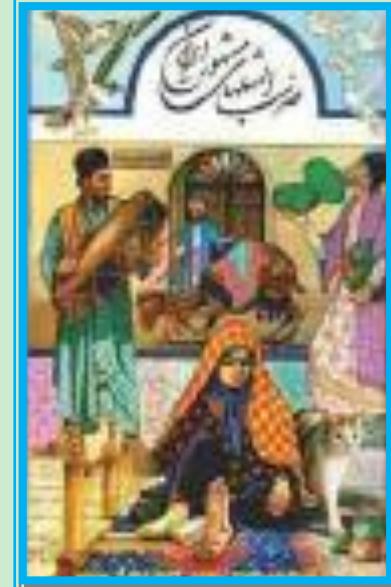
نویسنده: ناشناس

برترین اختراع تصادفی تاریخ

دیای علم سرشار از کشفیات و اختراعات اتفاقی است که تنها ذهن خلای داشتمندان متوانست با استفاده درست از آنها به نتیجه دلخواه برسد. به گزارش بانکی دات آی آر به نقل از خبر آنلاین، بای ساینس نیز در گزارشی، ده اختراع تصادفی قرن نوزدهم و بیستم را معرفی کرده است. اجاق مایکروبویو - پرسی اسپیسروپسی اسپیسنس



که پس از انجام خدمت سربازی خود در نیروی دریایی ایالات متحده، در شرکت ریتون مشغول به کار شد؛ به عنوان یک نایابه الکترونیک شناخته می‌شد. در سال ۱۹۴۵ اسپیسنس مشغول ورفتان با یک مکتربون مایکروبویو - که در آرایه‌های راداری از آن استفاده می‌شود، که ناگهان صدای عجیب شیشه جلز و لوز کردن رادر شلوار خود احساس کرد. اسپیسنس با متوقف کردن کار خود، یک بسته شکلات را در جیب شلوارش پیدا کرد که شروع به ذوب شدن کرده بود. بر درک این مطلب که تشعشع مایکروبویو خروجی از مکتربون یافع این اتفاق شده بود، اسپیسنس سریعاً در خصوص استفاده از عملی از این ویژگی برای آشیزی مشغول به کار شد. نتیجه نهایی کار وی اجاق مایکروبویو یا همان مایکروف است که امروزه به عنوان ناجی تمام مردان مجرد و دوست داران خوارکی‌های فوری در سرتاسر دنیا شناخته می‌شود!



آشی برایت پیزم که یک وجہ روغن رویش باشد!

ناصرالدین شاه سالی یک بار آش نذری می‌پخت و خودش در مراسم پختن آش حضور می‌یافت تا ثواب ببرد. در حیاط قصر ملوکانه اغلب رجال مملکت جمع می‌شدند و برای تهیه آش شله قلمکار هریک کاری انجام می‌دادند. غدهای دیگرها بزرگ را روی اجاق میگذاشتند و خلاصه هر کس برای تملق و تقریب پیش ناصر الدین شاه مشغول کاری بود. خود اعیحضرت هم بالای ایوان می‌نشست و قیایات می‌کشد و از آن بالا نظاره گر کارها بود. سرآشپزباشی ناصر الدین شاه مثل یک فرمانده نظامی امر و نهی میکرد. بدستور آشپزباشی در پایان کار به در خانه هر یک از رجال کاسه آشی فرستاده میشد و او می‌باشد کاسه آن را از اشرفی بُرکد و به دربار پس بفرستد. کسانی را که خیلی می‌خواستند تحويل بگیرند روی آش آنها روغن بیشتری می‌ریختند. بُر واضح است آنکه کاسه کوچکی از دربار برایش فرستاده میشد کمتر ضرر میکرد و



آنکه مثلاً یک قدر بزرگ آش (که یک وجہ هم روغن رویش ریخته شده) دریافت میکرد حسابی بدیخت میشد. به همین دلیل در طول سال اگر آشپزباشی مثلاً با یکی از اعیان و یا وزرا دعوایش میشد. آشپزباشی به او میگفت: سیار خوب باهت حالی میکنم دنیا دست کی! آشی برایت پیزم که یک وجہ روغن رویش باشد.

**ماهنه‌نامه تبدیل، در خدمت جامعه فارسی زبان
خواننده گرامی؛ چنانچه مایل هستید، شما میتوانید نسخه چاپی
کتاب مقدس فارسی را در این وب سایت مطالعه فرمائید.**

www.SimaMasih.com



سبحانی: تقدیش عقاید در دین ممنوع است

این مرجع تقلید اظهار کرد: اگر فرد مرتد در کشورهای اسلامی فعالیت تبلیغی انجام دهد، این ارتاد دنیوی توطئه علیه آن نظام است و باید با مقابله کرد.



ایلنا، آیت الله سبحانی در چهارمین نشست از سلسله جلسات کلام اسلامی در مشهد ضمن تأکید بر عدم تقدیش عقاید در دین اظهار داشت: دشمن برای ایجاد هسته‌های مخالف در جامعه، از ابزارهای مختلفی مثل "ارتاداد"، استفاده می‌کند کاری به اسلامی یا مسیحی شدن ندارد. وی در ادامه درباره حکم ارتاداد در اسلام، تصریح کرد: امروزه برخی از ارتادادها و گرایش‌ها به مذهب دیگر، ارتاداد ریالی و دلاری است و ارتاداد واقعی

نمی‌باشد. این مرجع تقلید بایان اینکه فقه اسلامی، آزادی‌های کامل و فراوانی دارد، گفت: برخی محدودیت‌ها به خاطر لطفه زدن به زندگی و آزادی افراد دیگر می‌باشد. سبحانی با اشاره به این که امور اعتقادی تسلیم پذیر نیست، اظهارداشت: پذیرش دین، بر اساس عقیده و تصدیق است که این تصدیق با مقدماتی همراه است. وی تصریح کرد: ارتاداد به این معنی برای نظام اسلامی مشکل ساز است و الابا مرتدی که علیه نظام اسلامی تبلیغ نکند، آن نظام هم به او کاری ندارد. این مرجع تقلید در ادامه تصریح کرد: باید توجه داشت که بین تقدیش عقاید و ارتاداد تفاوت وجود دارد؛ زیرا اصل اصلاح‌الصحر در قوه اسلام، اصلی محکم و متقن می‌باشد و برهمنی اساس تقدیش عقاید در دین ممنوع است.

دانستان برق و اختراعی که ۵۰ سال خاک خورد

دانش - در سال ۱۸۲۱، مایکل فارادی، دانشمند انگلیسی اولین موتور الکتریکی و در کمتر از یک دهه بعد از آن، اولین مولد برق را ساخت؛ ولی برای جدی گرفتن نیروی برق؛ نیم قرن دیگر زمان لازم بود! بیشتر ایده‌های جدید علمی هر قدر هم که در ابتداء نیز آمیز و هوشمندانه به نظر رسیده باشد. در نهایت غلط از آب در آبدانه؛ ولی برای تعداد محدودی از ایده‌های نو، درست عکس این روند اتفاق افتد است. آهادر ابتدای مطرح شدن با نفعی و بی مهربانی متقدان روبرو شده بودند، اما درنهایت نه تنها درست بودن خود را به اثبات رساندند، بلکه دنیا را نیز تغییر دادند. نشریه نیوساینتیست در گزارشی ^{۱۰} موراد از این ایده‌های انقلابی را معرفی کرده است. در حوزه‌هایی از علم که مکانک‌های مالی برای تحقیقات بسیار انداز ک است، این ده ایده ارزش علم خالص را به ایده‌ی آورند، آن هم نه فقط برای ارضی کنگجاکوی بشر بلکه برای کاربردهای عملی نیز انتهاش.

دانستان برق



از میان سیاری از کشفیات غیرمنتظره‌ای که می‌توانند دنیا را تغییر دهند، این شناخته شده‌ترین و متناسب‌ترین مثال ممکن است. این که این دانستان واقعیت دارد یا فقط دانستان است، سوالی بی جواب است!

در سال ۱۸۲۱، وقتی مایکل فارادی در موسسه سلطنتی لندن کار می‌کرد، کار هانس کرستین اورستند دانمارکی را دنبال کرد، که انحراف سوزن قطب‌نما در کار سیم حامل برق، اورا هشیار کرد و چنین نتیجه گرفت که الکتریسیته و مغناطیسی با هم ارتباط دارند. فارادی با توجه به این اثر، موتور الکتریکی را ساخت و پسی، یک دهه بعد، دریافت مغناطیسی که در یک سیم پیچ حرکت کند، می‌توانید در آن سیم پیچ جریان برق را الفا کنید. در سال ۱۸۴۵، او سنگ بنای نظریه الکترومغناطیس را به صورت فرمول بیان کرد. دانستان مشهوری در این زمینه نقل شده که فارادی برای تحقیق وزیر انگلستان یا یکی از سیاستمداران بر جسته، القای الکترومغناطیسی را به نمایش گذاشت. هنگامی که از او پرسیدند که: «این کار به چه دردی می‌خورد؟» فارادی پاسخ داد که: «یک نوزاد به چه کار می‌آید؟» یا شاید هم گفته باشد: «به زودی می‌توانید بر آن هم مایلیت بینیدی». این دانستان واقعی باشد یا ساختگی، این درس را به همراه دارد که شاید برای به پار نشستن سرمایه گذاری اولیه‌ای در علوم پایه، نیاز به گذشت زمانی به انداز نیم قرن باشد.

نخستین استفاده عملی از پافته‌های فارادی در تلاشی ناموفق برای ساخت یک فناوری دریابی برقی در دهه ۱۸۵۰ اتفاق افتاد؛ همچنین در مخابره تلگراف برد بلند که منجر به ساخت کابل تلگراف اقیانوس اطلس شد نیز به کار رفت. ولی مردم برای استفاده گسترده از برق مجبور شدند تا دهه ۱۸۸۰ صرکنند؛ زمانی که زیست‌شناس نامدار توماس هاکسلی و جان تینیال فیزیکدان، دولت را به حمایت مالی از علوم مجاب کردند.

و خامت وضع مسیحیان افغان و سکوت جامعه جهانی

۱۵۰ تن از مسیحیان افغان مقیم هند، با انتشار نامه سرگشاده ای در دهله نو، از افکار عمومی خواستند که به وضع و خشم مسیحیان در افغانستان توجه کنند. در این نامه که از سوی "جامعه مسیحیان افغان" منتشر شده، از جمله آمده است که نوکیشان مسیحی را خطر اعدام نهید می‌کند و آن‌ها در ترس دائم به سر می‌برند، شکنجه می‌شوند و مورد پیگرد قانونی گیرند و با آنان مانند جنایتکاران رفاقتاری شود. در بخشی از این نامه آمده است: "مانند فهمی چگونه جهان، و به ویژه کلیسا سراسری جهانی می‌توانند چشم خود را بین جنایات بینندن". امضاکنندگان نامه از مسیحیان جهان خواسته اند تا دولت های خود را برای ایجاد افغانستانی که در آن عدالت، صلح و مدارا حاکم گردد، تلاش کنند. شایان ذکر است که اوایل ماه ژوئن، عبدالستار خوارزی، معاون پارلمان افغانستان، پس از شنیدن جریان غسل تعیید یک نومسیحی از تلویزیون، خواستار آن شد که تعییر دین دادگان را دستگیر و در انظار عمومی اعدام کنند. یکی از کلای مجلس نیز گفته بود که قتل مسلمان مسیحی شده، جنایت به حساب نمی‌آید. هرگز ارش شیخ بخر مسیحیان فارسی زبان

بازداشت جمعی از مسیحی در مشهد

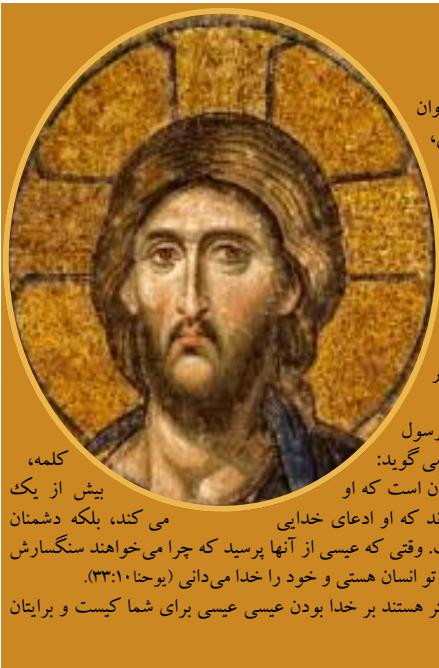
جمعی از مسیحیان ساکن مشهد در یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده توسط نیروهای امنیتی اطلاعات مشهد بازداشت شدند که از سرمهش دو نز از آنان تاکنون خبری در دست نیست.

به گواش بشکه خیر مسیحیان فارسی زبان از شهرستان مشهد مرکز استان خراسان رضوی، در روز پنجم شنبه ۱۷ تیرماه (۲۰۱۰) تعداد ۱۵ تن از نوکیشان مسیحی آن شهر که در حال عزیمت به شهرستان بجنورد از توابع استان به منظور دیدار و مشارکت با برخی مسیحیان آن شهر بودند در یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده توسط نیروهای امنیتی اداره کل اطلاعات خراسان بازداشت شدند.



به گفته مطلع، گویا مأموران اطلاعات در مردمورد این سفر از قبل آگاه بوده اند بطوری که وقتی این افراد در یک اتوبوس سوار شدند و حرکت کردند، دقایقی بعد درین راه مأموران امنیتی ضمن دستور توقف به راننده اتوبوس کلیه سرنشینان مسیحی آن را که از قبل شدگان مسیحی به اسم رضا (استیفان) ^{۴۸} ساله که حاضر به اضافی تعهدنامه و فرمهای مذکور نشانده بودند ممچنان در بازداشت باقی مانده اند. گزارشات حاکی از آن است که "احسان بهروز" در همان روز بازداشت حوالی ساعت ۸ شب به همراه مأموران و شریفات ایشان را ضبط و با خود میرند. از آقای بهروز به همراه مأموران پس از گذشت یک هفته تحت باج‌جوي شدیدی بوده اند و فشار زیادی به آنها وارد شده است. این گونه موارد به اجرای باید آنها را امضاء کنند بطور موقت آزاد می‌شوند. ۲ نفر دیگر از بازداشت شدگان مسیحی به این اتفاق شاهدند. احسان بهروز ^{۲۳} ساله که حاضر به اضافی تعهدنامه و فرمهای مذکور نشانده بودند ممچنان در بازداشت باقی مانده اند. از دستگیری به بازداشتگاه اداره کل اطلاعات خراسان منتقل می‌شوند. در آنجا بطور مداوم و به مدت یک هفته تحت باج‌جوي شدیدی بوده اند و فشار زیادی به آنها وارد شده است. این گذشت یک هفته سرانجام ^{۱۳} نفر از آنان با امضای تعهدنامه و سایر فرمهایی که در این گونه موارد به اجرای باید آنها را امضاء کنند بطور موقت آزاد می‌شوند. ۲ نفر دیگر از بازداشت شدگان مسیحی به این اتفاق شاهدند. احسان بهروز ^{۴۸} ساله که می‌کند و مأموران امنیتی پس از بازرسی و فتشی منزل وی شدت نگران وضعیت آنها کت و شریفات ایشان را ضبط و با خود میرند. از آقای بهروز به همراه مأموران و سایر ضبط شده از منزل خارج شده است خانواده وی تا کنون اطلاع دقیقی از آنچه بر او گذشته است ندانند. در طی این مدت او فقط دوبار در تماشای تلفنی کوتاهی که با خانواده اش گرفته است اعلام کرده که سالم می‌باشد. احسان بهروز داشتگو و دارای ۷ کلیساها و خانگی می‌باشد. این میان گزارش دادند که رضا (استیفان) متاهل و دارای ۲ فرزند می‌باشد و خانواده‌های این بازداشت شدگان مسیحی به شدت نگران وضعیت آنها هستند. این در حالی است که گفته می‌شود هر دو آنان همچنان در بازداشتگاه اطلاعات مشهد بسر می‌برند و برای آنان در شعبه ۹۰ دادگاه اتفاقات واقع در خیابان کوہنگی تشکیل بروند شده است. تا کنون هیچگونه خبری از تفهم اتهام و انتخاب و کیل برای آنان نیست و مشخص نشده تاچه زمانی باید در بازداشت و بلا تکلیفی سر بربرند. این بازداشت ها و فشار ها بر مسیحیان در مشهد در حالی صورت می‌گیرد که هنوز هیچ خوشایاندی از پرونده "علی گلپین" جوان زندانی مسیحی ساکن ورامین که هم چنان پس از گذشت قریب ^{۸۰} روز در زندان انفرادی این بسر میرند گزارش نشده است.

لازم به ذکر است بازداشت شدگان مسیحی در سال‌باری که عموماً از نویسندگان می‌باشند و تاکنون بطور موقت در شهرهای مختلف کشور تا زمان تشکیل دادگاه با وثیقه آزاد شده اند، همچنان در انتظار روز محاکمه بسر میرند.



آیا عیسی ادعای خدایی کرد؟

عیسی مسیح در میان رهبران مذاهب و مکاتب جهان که در سراسر تاریخ پیروان بسیاری را فتح کرد، مسیح از این جهت منحصر به فرد است که تنها او در جسم انسانی، ادعای خدایی کرد. در طول تاریخ افرادی نظری او دیده شده‌اند که چنین ادعای مشابهی نموده‌اند، این کل مطلب نیست. **بودا** ادعای خدایی نکرد؛ حضرت موسی هرگز نگفت که او خدا است؛...**زرتشت** ادعا نکرد که اهورا مزا است. اما **عیسی** نگفت: هر که مرا را دیده پدر را دیده است (یوحنای ۴:۹).

ادعاهای مسیح بسیار و گوناگون هستند. او فرمود: که قبل از ابراهیم می‌زیسته (یوحنای ۵:۸)؛ با خدا برابر است (یوحنای ۱۷:۱۸). عیسی ادعا کرد که قادر است آمرزیدن گناهان را دارد (مرقس ۵:۲۷)؛ این گفته مطابق تعلیم کتاب مقدس کاری است که تنها خدا میتواند انجام دهد (اشیای ۳:۲۵). عهدجدد عیسی را برابر با آفرینش جهان می‌داند (یوحنای ۳:۱)، و

او را برابر با کسی می‌داند که عالم هستی را نگاه می‌دارد (کولسیان ۱:۱۷). پولس رسول می‌گوید که خدا در جسم ظاهر شد (اول تیموتاؤس ۱۶:۳) و یوحنای شاگرد نزدیک او می‌گوید: خدا بود (یوحنای ۱:۱). جمع بندی گوایی‌های شخص عیسی و نویسنده‌گان عهدجدد آن است که او بیش از یک کلمه، انسان و یک نجار بوده است؛ او خدا بود. نه تنها دوستان و نزدیکان او مشاهده کردنده که او ادعای خدایی می‌کند، بلکه دشمنان او نیز شاهد این امر بودند. حتی در بین مقامات بهودی هیچ گونه تردیدی وجود نداشت. وقتی که عیسی از آنها پرسید که چرا می‌خواهند سنگسارش کشند، جواب دادند: به سبب عمل نیک تو را سنگسار نمی‌کیم بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می‌دانی (یوحنای ۳:۳۱-۳۰).

این واقعیت، عیسی را از سایر شخصیت‌های مذهبی جدا می‌سازد، اعمال او دلیلی محکمتر هستند بر خدا بودن عیسی عیسی برای شما کیست و برایتان چه جایگاهی دارد؟

مرد ثروتمند و طلاهایش

مردی ثروتمند بود که چند قدمی با مرگ فاصله داشت، و چون آدم خدا ترسی بود، قبل از مرگ کشش با خداوند ملاقات کرد و از خداوند خواهش کرد که یک مقدار بسیار کوچک از ارض دنیوی خود را با خود بدهش ببرد. خداوند به او گفت، خوب اما فقط اجازه داری یک چمدان با خود بیاوری! مرد چمدانی حاضر کرد و آن را پر از شمش طلا



موقعه سرکوه

خوشبختی و قدرت

خوشبختی کیمان روحانی، زیرا دولت آسمانی ارآن ایشان است.
خوشبختی کیم زرگان، زیرا ایشان تسلی خواهد یافت.
خوشبختی کیبان زیرا ایشان وارث نزین خواهد شد.
خوشبختی کیم کرمه و شرمه عذالت است، زیرا ایشان سیر خواهد شد.
خوشبختی کیم کنندگان، زیرا ایشان رحمت خواهد یافت.
خوشبختی کیل پاک دلان، زیرا ایشان خسد از خواهد دید.
خوشبختی کیل صلاح کنندگان، زیرا ایشان افزون خداخوازه خواهد شد.
خوشبختی کیم کرمه و راه عدالت خانی می‌شند، زیرا بولت آن فیما زیارت است.
خوشبختی پل حم سیاست هست.

کرد، وقتی که او مرد، درحالی که چمدان به دست به سمت دروازه بهشت میرفت، فرشته‌ای دم در ایستاده بود به او گفت: متأسفم اما نمیتوانید که چمدان را داخل ببرید. مرد گفت: اگر خداوند اجازه اجازه داده است. فرشته گفت: اگر خداوند اجازه داده است میتوانید داخل شوید، اما من باید چمدان را کنترل کنم. فرشته در چمدان را باز کرده و دید که پر از شمش طلاست، و شروع کرد به خندیدن، فرشته دیگری که آنها بود از خنده او به طرف او آمد و به چمدان نگاه کرد، و او هم شروع کرد به خندیدن. وقتی که کسی آرام شدند، مرد از آنها پرسید به چه میخندید؟ آنها پاسخ دادند: آیا نمیدانی سنگفرش بهشت از طلاست؟

معلومات کتاب مقدسی هشتما

پاسخ سؤال اول: عهدجدد از ۲۷ کتاب تشکیل شده است.

پاسخ سؤال دوم: اسامی چهار انجیل از این قرار هستند؛ متی، مرقس، لوکا و یوحنای



روت کم روغن

مواد لازم

- ۱- آرد بدون سبوس یک کیلو گرم
- ۲- تخم مرغ سه عدد
- ۳- شکرک و نیم لیوان
- ۴- روغن یک لیوان
- ۵- بیکن پاودر یک پاکت
- ۶- هل یک قاشق کوچک

طرز تهیه

دو عدد تخم مرغ را به هم میزنیم تا کف کند. سپس شکر را اضافه میکنیم و به هم میزنیم. بعداً یک لیوان شیر (آن را داغ کنید) بریزید و به هم بزنید. روغن را اضافه کنید. سپس آرد و بیکن پاودر را اضافه کنید.



کم کم آرد را اضافه نموده و با دست خمیر را مشت مال دهید. خمیر باید نرم باشد و به راحتی هموار گردد. فر را به حرارت درجه ۲۰۰ گرم کنید. تا گرم شدن فر خمیر را به قالب هموار نمایید. و از همین مقدار خمیر دو عدد روت می‌پزیم. و در لحظات آخر تخم مرغ سومی را با قدری آب به هم میزنیم، و روی روت‌ها بمالید.

دوستان عزیز، چنانچه دستور غذای مخصوصی دارید، آن را برای ما به آدرس ماهنامه ارسال کنید زیرا اسم خودتان مستشر خواهیم کرد.



از شما دعوت می‌کنیم تا از وبسایتها مادیدن فرمائید:

www.IRANforCHRIST.com

www.SimaMasih.com

www.TabdilMagazine.blogfa.com

THE CHANGE

magazine

TEL: 818. 522. 1525

Tabdil@iranforchrist.com

{www.Tabdilmagazine.blogfa.com}

{www.SimaMasih.com} P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ادامه از صفحه... ۲ همه چیز بر عکس شد...

در دنیا دو دهان وجود دارد یکی دهان ما و دیگری دهان شریر اگر ما دهانمان را باز کنیم اتوماتیک وار دهان شریر بسته میشود و اگر ما دهانمان را بیندیم اتوماتیک وار دهان شریر باز میگردد. در دنیا دو معده هم وجود دارد یکی معده ما که میخواهد آشغالها و عیاشی های لجام گشیخته دنیای شریر را بیلعد. یکی هم معده شریر است که میخواهد برکات و ثمرات و تجربیات ایمان به عیسی مسیح را در ما بیلعد. انتخاب با ماست که دهان ما در پرستش باز باشد یا دهان شیران در درین دانیال های زندگی مان؟ همیظور یا باید انتخاب کنیم معده ما بوسیله روزه بروی تمام آشغالهای دنیای شریر بسته باشد؟ یا معده سیری ناپذیر شریر به روی ایمانها و تجربیات زندگی ما با مسیح. و اما تکه بسیار قابل توجه: قانون پادشاه شکسته شد بلکه عملیاً اجراء شد حقیقت امر شیرها هم پلاستیکی یا شیرهای بازنیشه سیر ک های از رده خارج شده هم نبودند پس چرا دانیال دریده نشد؟ و چرا ماجرا دقیقاً بر عکس شد؟ چرا وزیران فرد افرید زندن: آقا چی خواستیم؟ چی شد؟ براستی چرا چنین شد؟ جواب تمام این چراها این است: چون خدای ما هم قانونش را نشکست و آنرا عملیاً اجراء کرد. الزاماً میشه در تاریخ چنین نبوده که خدا قانون ظالمانه پادشاهان و امپراتوران را بطور مدام شکسته باشد بلکه تنجیه موجودیت آنها را بطوری که به دهشان خم خطر نمیکرد بر عکس کرده است اگر دهان خود را در اعتراف ایمان و پرستش باز کنیم چنانکه دانیال کرد (دعا) و اگر معده خود را به روی فسادهای این دنیا چهنهی بیندیم چنانکه پادشاه بست (روزه) ما هم میتوانیم دهان افسار پاره کرده شرارط و معده حرصیش را به روی زندگی و ایمان های ایمان بیندیم و درنهایت همه چیز را بر عکس کنیم. بخطاطر داشته باشیم عیسی مسیح فرمود: این جنس جز به روزه و دعا بیرون نمیرود (انجلیل متی فصل ۱۷ آیه ۲۱) اگر صادرات دهانمان و واردات درونمان را بوسیله کام عیسی مسیح تغییر بدیم همه چیز بر عکس خواهد شد. بصراحت میگویند تنها بوسیله عیسی مسیح همه چیز بر عکس خواهد شد چون عیسی مسیح تنها کسی است که درسمآ فرمودمن آمدہ ام تا طرحهای بر نامه ریزی شده و به ثبت رسیده و تصمیم گیری شده و حتی ابلاغ شده ابلیس را بر عکس کنم (مکاشفه فصل ۳ آیه ۸) او به شهادت تاریخ و تجربه ایماندارانش اینکار را انگار داد در مسیح همه چیز بر عکس شد و امر بر عکس هم میشود چرا برای وضعیت و شرایط حتی به اصطلاح کار از کار گذشته شما نه؟ همین الان امتحان کنید.

برادرتان در مسیح سهر

Nine Believers Arrested

Nine Christians were arrested recently in Hamedan, Iran, on charges of engaging in journalistic activities. Iranian state television reported that two of those arrested were supported by organizations from the United States and Great Britain, but their nationalities are unknown. The other seven were reportedly accused of cooperating with "Christian-Zionist organizations." The Iranian government uses this terminology to describe Christians who have access to a number of evangelistic networks and TV satellite programs. FCNN concluded that this is the first time in three decades that state TV has broadcast news about the arrest of Christians. Pray that God will equip these believers to share the gospel while in prison, and pray for their release. Pray that the increased persecution in Iran will result in increased boldness among Christians.



in the Promises of God

God is Love: How do we Define Love?

"God is Love", but how do we define it? The American Heritage Dictionary defines love as "an intense affection for another person based on familial or personal ties". We love other people, or we say we love other people, when we are attracted to them and when they make us feel good. Notice that a key phrase in the dictionary definition of love is the phrase "based on". This phrase implies that we love conditionally; in other words, we love someone because they fulfill a condition that we require before we can love them. How many times have you heard or said, "I love you because you are cute;" or "I love you because you take good care of me;" or "I love you because you are fun to be with?"

Our love is not only conditional, it is also mercurial. We love based on feelings and emotions that can change from one moment to the next. The divorce rate is extremely high in today's society because husbands and wives supposedly stop loving one another-or they "fall out of love". They may go through a rough patch in their marriage, and they no longer "feel" love for their spouse, so they call it quits. Evidently, their marriage vow of "till death do us part" means they can part at the death of their love for their spouse rather than at their physical death.

Can anyone really comprehend "unconditional" love? It seems the love that parents have for their children is as close to unconditional love as we can get without the help of God's love in our lives. We continue to love our children through good times and bad, and we don't stop loving them if they don't meet the expectations we may have for them. We make a choice to love our children even when we consider them unlovable; our love doesn't stop when we don't "feel" love for them. This is similar to God's love for us, but as we shall see, God's love transcends the human definition of love to a point that is hard for us to comprehend.

God is Love: How does God Define Love?

The Bible tells us that "God is Love" (1 John 4:8). But how can we even begin to understand that truth? There are many passages in the Bible that give us God's definition of love. The most well known verse is John 3:16, "For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life." So one way God defines love is in the act of giving. However, what God gave (or should we say, "who" God gave) was not a mere gift-wrapped present; God sacrificed His only Son so that we, who put our faith in His Son, will not spend eternity separated from Him.

This is an amazing love, because we are the ones who choose to be separated from God through our own sin, yet it's God who mends the separation through His intense personal sacrifice, and all we have to do is accept His gift. Another great verse about God's love is found in Romans 5:8, "But God commandeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us." In this verse and in John 3:16, we find no conditions placed on God's love for us. God doesn't say, "as soon as you clean up your act, I'll love you;" nor does He say, "I'll sacrifice my Son if you promise to love Me." In fact, in Romans 5:8, we find just the opposite. God wants us to know that His love is unconditional, so He sent His Son, Jesus Christ, to die for us while we were still unlovable sinners. We didn't have to get clean, and we didn't have to make any promises to God before we could experience His love. His love for us has always existed, and because of that, He did all the giving and sacrificing long before we were even aware that we needed His love.

God is Love: It's Unconditional

God is Love, and His love is very different from human love. God's love is unconditional, and it's not based on feelings or emotions. He doesn't love us because we're lovable or because we make Him feel good; He loves us because He is love. He created us to have a loving relationship with Him, and He sacrificed His own Son (who also willingly died for us) to restore that relationship.